



ویژگی های نقاشی قهوه‌خانه‌ای عاشورایی

اکثر نقاشی های قهوه‌خانه‌ای دارای امضا و رقمی به شیوه مکتب دوره قاجار است که باعث وجه تمایز نقاشی مکتب قاجاری از مکتب‌های دوره‌های قبل می‌شود.

در نقاشی های قهوه‌خانه‌ای شخصیت اصلی داستان را بزرگ‌تر از بقیه افراد به تصویر می‌کشند که تا قبل از این در تاریخ نقاشی ایران کم‌سابقه بوده است. برای تحقیر افراد معمولاً آنها را با کوچک‌تر نشان دادن اندام‌شان نشان می‌دهند.

ویژگی دیگر این نوع نقاشی، فضای خالی، ترکیب بسته و درهم آنهاست. رنگ و ترکیب آن در نقاشی قهوه‌خانه‌ای بسیار مهم است و هر رنگی متناسب با نوع موضوع و کیفیت حالات افراد مختلف به کار می‌رود. این تصور که رنگ در این نوع نقاشی تصادفی است، از روی بی‌اطلاعی است؛ مثلاً رنگ سرخ در نقاشی قهوه‌خانه‌ای (از نوع مذهبی آن) نشاننده شهادت است؛ رنگ قرمز نشانه خشم و غضب بر دشمن و رنگ‌های تیره و کدر نشانه سپر و براق و روی کافران است. رنگ سبز در نقاشی قهوه‌خانه‌ای (از نوع افسانه‌ای) جایگاه پهلوانان، امامان و پلان مورد علاقه و احترام مردم است.

در نقاشی قهوه‌خانه‌ای فاصله دوری و نزدیکی و به اصطلاح نقاشی امروزی «بعد» یا «پرسپکتیو» نادیده گرفته شده است و این از خصوصیات بارز نقاشی قهوه‌خانه‌ای است؛ چرا که همزمان با این نقاش‌ها در دوره قاجار، در نقاشی‌های تأثیرپذیرفته از شیوه فرنگی رایج شده در ایران پرسپکتیو رعایت شده است.

اصل مهم نقاشی قهوه‌خانه‌ای جوانمردی و پهلوانی است. نقاشی خیالی، جلوه مردانه دارد، برخلاف نقاشی درباری عصر قاجار که جلوه زنانه پیدا کرده است. در این نوع نقاشی بخصوص در کارهای قولر آقاسی و شاگردانش، بندرت می‌توان تصاویر زنان را دید.

در نقاشی خیالی کشیدن نیم‌رخ هرگز اصل رایج نیست. تصویر نیم‌رخ در بعضی از نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای نیز بنا به درخواست نقالان بوده است.

ویژگی دیگر این مکتب این است که هاله نور در این نوع نقاشی‌ها نماد روشنائی است. این هاله نور را بیشتر به گرد سر امامان و پیامبران می‌بایم.



پرده خوانی عاشورایی کامل کننده نقالی

پرده‌خوانی برآمده از نقالی و نقالی نیز برگرفته از «قولی» است. نقالی هنر بداهه‌خوانی و کلام است و قولی هنر بهره‌مندی از کلام و موسیقی. شاید به جرأت بتوان گفت که پرده‌خوانی کامل‌کننده این هنر است. در واقع پرده‌خوانی که از آن باغوان هنر صورت‌خوانی هم یاد می‌شود، نوعی نقالی با تصویر است. پرده‌خوانی که با نام‌های پرده‌داری، پرده‌برداری و شمایل‌گردانی نیز معروف است. در هنر پرده‌خوانی به شخصی که حکایت را با بیانی شیوا و تأثیرگذار و آهنگین نقل می‌کند پرده‌خوان یا مرشد می‌گویند.

این هنر با وجود شباهت‌های فراوان با نقالی تفاوت‌های عمده‌ای هم با آن دارد. برای مثال پرده‌خوانی یک مراسم مذهبی است و مانند نقالی برای سرگرمی صرف به کار نمی‌رود. این نمایش در زیارتگاه‌ها، قبور متبرکه و امامزاده‌ها توسط پرده‌خوان به اجرا در می‌آید و مردم را برای یک مراسم مذهبی به دور خود جمع می‌کند است.

هنر پرده‌خوانی برپایه روایت‌های افسانه‌ای و تاریخی برگرفته از کلام نقالان مذهبی، مداحان و تعزیه‌خوانان، بهره‌گیری از تخیل و احساس هنری تصویرگران آنها و باورهای عامه شکل گرفت. عمده‌ترین عناصر مذهبی در پرده‌خوانی روایت‌هایی نظیر غدیرخم، واقعه عاشورا و برخی قصص قرآنی بود که البته در شکل‌های مختلفی همچون روضه‌خوانی، حمله‌خوانی، صورت‌خوانی، مناقب‌خوانی و فضایل‌خوانی به اجرا در می‌آمد که به مصایب امام حسین (ع) و خاندان ایشان می‌پرداختند. اما مهم‌ترین منبع پرده‌ها و تعزیه‌های حسینی کتاب «روضه‌الشفه» است که ملاحسین واعظ کاشانی در قرن نهم هجری آن را نگاشته است.

پرده‌خوان همواره شخصی به همراه دارد که علاوه بر وظیفه پرده‌کشی، نقش یک سؤال‌کننده را هم برعهده می‌گیرد و مخاطب گاه‌گدار راوی در حین نمایش محسوب می‌شود. اما بازیگر محوری و اصلی این نمایش همان شخص پرده‌خوان است. نقوش پرده‌ها معمولاً عامیانه و مبتنی بر تخیلات نقاش بودند.

پرده‌خوان همه امتیازات نقالان و پرده‌خوان‌های حماسی را دارد. هرچا که لازم باشد حالات نقش را به خود می‌گیرد. آواز می‌خواند، نعره می‌کشد و حتی گاهی از سرسوز و با تحریرک مداح، مداحی می‌کند. پرده‌خوان خواستار برانگیختن احساسات و عواطف مذهبی است و در شرایطی خود را موفق می‌شمارد که تماشاچیان را بگریاند و این لوح اقدام مذهبی او محسوب می‌شود.

روایت‌های اسطوره‌ای بهره می‌گیرند و می‌توانند آنها را در کنار هم و شبیه هم ترسیم کند چرا که در روایتگری او میان منابع مرزی وجود ندارد و همگی ارزش‌هایی را نشان می‌دهد که جامعه بر اساس ارزش‌های برآمده از آنها شکل گرفته و روایت آنها نوعی تجدید و تثبیت ارزش‌ها نیز هست و همان گونه که آیین‌ها و مناسک ارزش‌های مذهبی یا قومی و ملی را یادآوری می‌کنند و میان مردمان امروز و تاریخ مذهبی

وقایع را می‌بینند و آنها را آن گونه که در خیال خود یا سنت‌های پیشینیان دیده است در پرده جای می‌دهد از این رو عناصر روایت با واقعیت جهان پیرامون و آنچه می‌تواند دیده شود، تطبیق ندارد بلکه با این خیال که منبع روایت است، تطبیق دارد. روایتگر نقاش پرده‌ها برای آثار خود از منابع روایی اعم از تاریخ مذهبی یا

سنت‌های نمادین زشتی و زیبایی یا تقدس در فرهنگ مردم آمیخته است. در این سنت شخصیت‌ها رتبه‌بندی و جایگاهی دارند که این رتبه‌بندی در یک پرسپکتیو مقامی در نقاشی تجلی می‌یابد. همچنین ترکیب بندی این پرده‌ها نیز از همین جایگاه‌ها و ارزش‌های روایی تبعیت می‌کند. هنرمند نقاش همانند یک روایتگر سوم شخص



جریانات جدید هنر «پرده‌کشی»

مهدی طالعی نیا همچنین درباره هنر پرده‌کشی، پژوهشی انجام داده و حاوی نکات جالبی است. «شاهنامه‌نگارگری»، «علوی‌نگاری» و «زنانه‌نگاری» در تمام مکاتب نگارگری ایرانی از ایلخانی، مغول، تیموری و هرات گرفته تا صفویه، افشار، زند و قاجار وجود داشته و تنها جریانی که «شاهنامه‌نگارگری»، «علوی‌نگاری» و «زنانه‌نگاری» در آن وجود نداشته، هنر «پرده‌کشی» از مشتقات جریان موسوم به «قهوه‌خانه‌ای» است؛ هنری مربوط به ترسیم پرده‌های نقالی و نقال‌ها که روایتگران قصه‌های این پرده‌ها بوده‌اند و مردم آنها را «درویش» می‌نامیده‌اند، این نقاشی‌های عریض و طویل موسوم به پرده را بر بدوش خود حمل کرده و بر دیوارهای کوی و برزن نصب و از روی آن قصه‌های صرفاً مذهبی را برای مردم نقل می‌کرده‌اند.

مهدی طالعی نیا همچنین درباره هنر پرده‌کشی، پژوهشی انجام داده و حاوی نکات جالبی است.

«شاهنامه‌نگارگری»، «علوی‌نگاری» و «زنانه‌نگاری» در تمام مکاتب نگارگری ایرانی از ایلخانی، مغول، تیموری و هرات گرفته تا صفویه، افشار، زند و قاجار وجود داشته و تنها جریانی که «شاهنامه‌نگارگری»، «علوی‌نگاری» و «زنانه‌نگاری» در آن وجود نداشته، هنر «پرده‌کشی» از مشتقات جریان موسوم به «قهوه‌خانه‌ای» است؛ هنری مربوط به ترسیم پرده‌های نقالی و نقال‌ها که روایتگران قصه‌های این پرده‌ها بوده‌اند و مردم آنها را «درویش» می‌نامیده‌اند، این نقاشی‌های عریض و طویل موسوم به پرده را بر بدوش خود حمل کرده و بر دیوارهای کوی و برزن نصب و از روی آن قصه‌های صرفاً مذهبی را برای مردم نقل می‌کرده‌اند.



پرده‌کشی، تا پیش از این «پرده‌کشی علوی» مرسوم نبوده و پرده‌ها با محتوایی صرفاً عاشورایی ترسیم می‌شده است.

جریان «نو قهوه‌خانه‌ای»

با توجه به «احیای جریان پرده‌کشی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای»، تولید پرده‌های جدید، جریان نوینی را در حوزه هنر پرده‌کشی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای رقم زده است که المان‌ها و محتوای هنر معاصر را دارد و می‌توان آن را جریان «نو قهوه‌خانه‌ای» نامید.

در حوزه پرده‌کشی، حضور کودکان ابداً به چشم نمی‌خورد؛ با ترسیم «پرده درویشی خاله سوسکه» با الهام از ادبیات و اشعار عامیانه در حوزه کودک، مانند قصه «خاله سوسکه» و اشعاری چون «دویدم و دویدم» و قصه‌هایی نظیر «بز بز قندی»، ادبیات و سنت‌های دیرینه ایرانی را در حوزه کودکان معرفی می‌کند.



آغاز هنر پرده‌کشی از زمان آل بویه

هنر «پرده‌کشی» به قولی از زمان آل بویه و به قولی دیگر با قدمتی ۵۰۰ ساله از زمان شاه اسماعیل صفوی آغاز می‌شود. میکلّه ممیره و شاردن، در سفرنامه‌ها و خاطراتشان از حضور نقاشی‌های عریض و طویل با محتوای مذهبی در زمان صفویه و در شهرهایی مانند تبریز یاد کرده‌اند. ظاهراً شاه اسماعیل از این پرده‌ها برای تهیه‌ی سپاه در جنگ‌ها استفاده می‌کرده و از روی آنها قصه‌هایی برای تهیه‌ی سربازها نقل می‌شده است. پرده درویشی عاشورایی ۲۰۵ ساله کاخ موزه گلستان که قدیمی‌ترین نمونه از پرده‌های درویشی است، متعلق به دوره فتحعلی شاه قاجار است؛ در این دوره همچنان وحدت موضوعی بر پرده حاکم بوده و فقط قصه‌های «عاشورایی» به چشم می‌خورد.

اولین پرده درویشی زنانه

«اولین پرده درویشی زنانه» که با الهام از حضور زنان در



جنبه‌های مدرن نقاشی قهوه‌خانه‌ای، عامل به راه افتادن جنبش نو قهوه‌خانه‌ای شده و جا دارد دانشگاه‌ها روی این بستر کار کرده و زیرساخت‌های مناسبی برای تعمیق ریشه‌های این هنر فراهم کنند

برای نقاشی قهوه‌خانه‌ای کار شود. این نقاش قهوه‌خانه‌ای ثبت انجمن نقاشان قهوه‌خانه‌ای را گامی دیگر برای احیای این هنر فراموش شده می‌داند که هنوز به سرانجام نرسیده است و می‌گوید: از سال ۹۴ به میراث فرهنگی، وزارت ارشاد و وزارت کشور برای ثبت انجمن درخواست دادیم اما وب‌سایت‌های وقایع مذهبی و ملی حتی قصه‌های کودکانه را کار کنیم که تا به حال جوابی نگرفته‌ایم.

طالعی نیا درباره نقش دانشگاه‌ها در ترویج هنر نقاشی می‌گوید: دانشگاه‌ها نقش محوری و اساسی در کمک به نقاشی قهوه‌خانه‌ای دارند به همین منظور مذاکراتی با دانشگاه‌های هنر تهران، فردوسی مشهد و سوره داشتیم.

دیوارهای شهری چقدر است، بیان می‌کنند. دیوارها پهنه‌های آموزشی و تربیتی شهر هستند، به مثابه بوم‌های نقاشی بزرگ که هر چه روی آن بکشید مردم آموزش می‌بینند اما اساساً از این دیوارها استفاده بهینه نمی‌شود، به همین منظور از شهرداری و زیباسازی خواستیم این دیوارها را در اختیار نقاش‌های قهوه‌خانه‌ای بگذارند تا وقایع مذهبی و ملی حتی قصه‌های کودکانه را کار کنیم که تا به حال جوابی نگرفته‌ایم.

فعالیت‌های بین‌المللی انجمن نقاشی قهوه‌خانه‌ای

وی با اشاره به انجمن نقاشی قهوه‌خانه‌ای می‌گوید: این انجمن یک نهاد خصوصی است که از سال ۹۵ تاکنون ۵ نمایشگاه داخلی در موزه سعدآباد، کاخ گلستان، هنرهای معاصر ارومیه و ذرفول داشته و در سوریه، عراق، لبنان و حیفنا نیز نمایشگاه برگزار کرده است.

طالعی نیا گام بعدی انجمن نقاشی قهوه‌خانه‌ای را فعالیت‌های بین‌المللی در این عرصه بیان می‌کند و می‌گوید: به همین منظور با گالری رضا آرت آلمان و هامبورگ و دانشگاه تربسته ایتالیا صحبت کردیم، همچنین درصدیدیم پرده درویشی یا نقالی با محتوای اروپایی بسازیم و در حال کار کردن روی پرده نقالی هملت و اتللو هستیم. کاری که محتوای اروپایی با فرم ایرانی دارد.

پارامترهای مدرنیته در نقاشی قهوه‌خانه‌ای

وی نقاشی قهوه‌خانه‌ای و هنر پرده‌کشی را تنها مکتب نگارگری ایران می‌داند که فی‌النتفسه مدرن است و پارامترهای مدرنیته در درونش است، از فرمت جالبی برخوردار بوده و با حفظ سنت‌ها، قالب‌های مدرن را در بر دارد. همین جنبه‌های مدرن نقاشی قهوه‌خانه‌ای، عامل به راه افتادن جنبش نو قهوه‌خانه‌ای شده و جا دارد دانشگاه‌ها روی این بستر کار کرده و زیرساخت‌های مناسبی برای تعمیق ریشه‌های این هنر فراهم کنند. اتفاقات مهم هنری در دو بستر دانشگاه و کوچه‌بازار اتفاق می‌افتد؛ و باید از دانشگاه و بستر عمومی شهر

جزئی ثابت از فرهنگ مکتوب و نمایشی عاشورا درآمده، نمی‌توان آنها را از مدنظر دور داشت زیرا تعداد فراوان این نمونه‌ها نشان از کارکرد و خدمتی است که هنر خطاطی و خوشنویسی در راستای مراسم سوگواری حضرت سیدالشهدا (ع) عهده‌دار بوده است. خوشنویسان با استفاده از خطوط زیبا و متنوع، مفاهیم عاشورایی را به رقم تزئین درآورده‌اند. در خواص کتیبه‌های هر مصرع از ترکیب‌بند مولانا محتشم

کاشانی که شاید بیشترین کاربرد را در کتیبه‌های عاشورایی داشته است، عبارت «یا ابا عبدالله الحسین شهید» که شان نزول حادثه را یادآور می‌شود تکرار می‌گردد که می‌توان گفت: به غیر از آثار گوناگونی که در موضوع حماسه عاشورا به دست خوشنویسان ایرانی رقم‌تزیین یافته است، عباراتی چون «یا حسین» و «حسین مظلوم» نسل‌ها بزرگوار بوده است و با کلامی می‌شوند به‌راحتی می‌توانند

ارادت شیعیان به امام حسین (ع) را به رخ بکشند. این آثار نه تنها در مجالس عزاداری و محافل مذهبی بلکه در فضاهای عمومی به صور مختلف نیز به نمایش گذاشته می‌شود و بدین ترتیب فرهنگ عاشورایی را به جامعه منتقل می‌کند. خوشنویسی به‌عنوان یک زبان بصری، پلی ارتباطی میان نسل‌ها بوده است و با کلامی بی‌صدا و زیبا نه تنها یادآور و مروج



مفاهیم و وقایع تاریخ عاشورا است بلکه آنها را بخش نسل‌های آینده برای ادامه راه حق‌طلبی و ایستادگی یا شجاعت در برابر ظلم است؛ بنابراین ترویج خوشنویسی به‌عنوان یک هنر پایه‌ای و رکنی ایرانی و اسلامی با عمق معنوی و فرهنگی، نقش بسزایی در حفظ و گسترش فرهنگ ما از جمله فرهنگ عاشورایی ایفا می‌کند. نیاز است تا با توجه بیشتر به این هنر استراتژیک و مفهومی با ابعاد وسیع

فرهنگی، بتوانیم با خلق آثار بیشتر با شیوه‌های مختلف اعم از نسخ خطی، تابلو، کتیبه، احجام و ... در انتقال پیام‌ها و شرح وقایع تاریخی عاشورا، ارزش‌های مفهومی عاشورا را در دل جامعه زنده نگه داریم و نسل‌های آینده را با این فرهنگ غنی بیشتر و زیباتر آشنا کنیم و با برگزاری رویداد‌های تأثیرگذار از هنرهای عاشورایی و تأسیس موزه‌های فاخر، فرهنگ عاشورایی را بگردانیم و این لوح اقدام مذهبی او محسوب می‌شود.